



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۶/۱۰

مصطفی عمرزی  
ارسالی شیر ساپی

## نامه به رئیس جمهور افغانستان

این نامه یک روشن فکر افغانی به رئیس جمهور کشورش که در مقدمه کتابی با نام «پور خرد» آورده، سیلی محکمی بر گونه کسانی است که گمان برده و تبلیغ می کنند مدخل های بنیان اندیشی در گذر زمان اندک اندک فراموش خواهد شد و نفی است بر صورت روشن فکری دود گرفته و حزب ساخته و هتاک ما که گمان برده اند با نفوذ در مراکز رسانه های فرهنگی کشور تریبون ها را در حالی برتزه های بنیان اندیشانه بسته اند که علاوه بر رسانه های گوناگون، حتی کتاب فروشان کشور را نیز از عرضه چند صد مدخل نو بر تاریخ و فرهنگ ایران و جهان بر حذر داشته اند و وزارت ارشاد در بن بست است که ناچار رئیس جمهور کشور را بر نیاز به تعاون عمومی و رعایت دموکراسی ملی وادار کرده، هنوز قریب ده جلد از تالیفات مرا در محاق سانسور دارد. (ناصر پورپیرار - هوا خوری ۲۷، سایت ناریا).

### به مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان!

پس از احترام، نگاشته میشود:

معضلات افغانستان، فقط تعریف های در گرو عناصر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تجارتي نیستند. در روزگار ما، روز تاروز بر محور اندیشه های بشری - قومی در رنگ های به اصطلاح ادبیات و فرهنگ، که از توجیه کننده گان دیموکراسی به شمار میروند، تفکری را زاده اند که **عصبیت قومی را بدون ملاحظه بر کرامت انسانی، حول منافع «قوم» بنویسند**؛ که در جهانما، هیچ ویژه گی ای منحصر به فرد و محدود به یک نشانی ندارد. این معضل که به بهانه آزادی تفکر و کار فکری انسانی، دفاع میشود، در واقع همان پدیده - ایست که پشتوانه گرایشات قومی را میسازد؛ بنابراین، نقش همان پندار های بشری که کژاندیشی های انسانی را نقد کنند، همانقدر مهم میشود که از مولفه های دیگری سخن برود. در بیش از ده سال تجربه ی دیموکراسی نوین (پس از طالبان)، آگاه شدیم که اگر فضایی نوین، فرصت های زیادی برای صورت های متنوع بروز اندیشه افغانی فراهم آورد، چنین امری، توجیحات برای اغراض قومی را تا سرحد جنون نیز اجازه داده است.

گرایش های شدید قومی مبتنی بر میراث های به اصطلاح ادبی و فرهنگی که با بازخوانی های عجیب و عجب در عصبیت قومی، در گونه های مختلف، ارایه شده اند، چنان بستر هایی از تضاد های اجتماعی را باعث میشوند که به زودی در عقب خویش، سیاست های فرهنگی همسایه گان را به عنوان پشتوانه هایی در مسیر منافع دیگران، به همراه داشتند. **من معتقدم تا مقوله «بنیادگرایی فرهنگی» را - پس از وضع این اصطلاح که شاید در زمره نخستین ارایه کننده گان آن باشم - ، پا به پای بحث «بنیادگرایی دینی»، در همین مسیر به نقد بکشانم.**

کشور ما در مسیر یک رقابت منفی، پس از برقراری حاکمیت پهلوی در ایران که موجد بدترین پدیده غیر انسانی و نژادی (فارسیسیم) بود، بر اثر نیاز های رقابت منفی، عمق تاریخی را در دستور کار رسمی - فرهنگی و پژوهشی قرار می دهد و اکنون که در مسیر این رقابت، بیش از هشتاد سال است جلو میرویم، دستاویز و ابزار های جعل (آریایی و خراسانی) که در توهمات و سوء برداشت های ما، بزرگ شدند، سیاهی هایی نیز دیده می شود تا حقیقت تاریخی و مستند ما (افغانستان و افغان) دستخوش سیاست ها شده و به چالش کشیده شوند.

از آن که تجربه داریم، جلوگیری و پیشگیری هایی که با دلیل و خردورزانه نباشند، جز نتیجه مقطعی، کاربرد ندارند و خود باعث اشاعه بدپنداری ای میشوند که چون پاسخی نداشتند، مانع آزاد اندیشی شدند، پیشنهاد می کنم تا برای بیرون رفت، از راه حل هایی که به عنوان پاسخ ها در برابر سیاست ها و گرایش های غلط، کار های پژوهشی و نوین فکری - ادبی و فرهنگی اند، استفاده شده و جزو سیاست های فرهنگی و حمایت از ارزش های واقعی دولت افغانستان، اداء شوند و به عنوان نخستین موضوعات کاری آن، آثار پژوهشگر نامور، استاد ناصر «پورپیرار» را که با پرچمداری ارزش های اسلامی، نگارش ها و پژوهش های انسان محور و پر ارزش منطقه یی، بهترین انواع کار را در جهت رسوایی پدیده های جعلی و مضحکی چون فارسیسیم، ارایه کرده است، در چوکات اداره و یا نهادی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

با عنوان «مرکز مطالعات پورپیرارشناسی» یا در حدود اکادمي علوم افغانستان و یا هم به گونه مستقل و تحت اثر سایر ادارات مربوط دولت ، امر ترویج بفرمایند و بر اینگونه ، نه فقط مسیر ها را برای یافته های درست ، هموار کنند ، بل در جهت زدودن او هام فرهنگی که دیوانه وار، گروهی را در خیالاتواهی ، بومی، صاحبان اصلی، دارنده گان چنین و فالن فرهنگی ، هتاک ، متجاوز و فزون خواه نموده است، پاسخی محکم داده و کرداری را نهادینه نمایند که بزرگترین منفعت اش ، حفظ ارزش های افغانی خواهد بود.

نویسنده به عنوان یکی از ارادتمندان استاد ناصر «پورپیرار» که حقانیت این شخصیت بزرگ را در مطالعه همه جانبه آثار ایشان ، به تمامی دریافته ام ، کار این پژوهشگر و مدافع بزرگ ارزش های اسلامی و واقعی منطقه تمدنی خویش را ، نه فقط از بهترین ها می دانم ، بل مدخل های نو گشوده او برای نگرش های نو و توجه بر ژرفنا هایی که واقعیت ها را در امر روشنایی بر ادعا ها ، روشنایی داده اند ، از بهترین آثاری می دانم که شاید در طی صد سالی که از پرباری کار فرهنگی در زبان دری می گذرد، در جغرافیای این زبان از تاجیکستان تا افغانستان و ایران، بی مانند و بی همتا باشند.

یادآوری این نکته ، بی جا نخواهد بود که استاد ناصر «پورپیرار» در راستای اهداف برحق اش، از چنان تنگنا هایی گذر کرده است که یگانه روزه برای رسیدن به حقایق است که در میان انبوه جعل و صادرات سیاسی - فرهنگی بیرونی ، تنها شانس برای دریافت واقعیت های ملت ها، در جغرافیای عقب نگهداشته شده جهان سوم اند.. محتوای کتاب حاضر، بهترین پیام در جهت سفارشم برای ریاست جمهوری اسلامی افغانستان خواهد بود و اینجانب، آماده هرگونه توضیح و پاسخگویی در قبال پیشنهادم استم.

با احترام

مصطفی «عمرزی»

۱۶ / سرطان / ۱۳۹۳ خورشیدی

کابل

---

کتاب - پور خرد به کوشش مصطفی عمرزی .ص، 4 و 5